پارسیان دژ
تاریخ، فرهنگ و میراث ایران

مجموعهٔ مقاله‌ها
نسخهٔ ماندگار

ایران در دوران معاصر

زندگینامه میرزا کوچک خان جنگلی (جدایی طلب یا وطن پرست ؟)

نویسنده: شمشاد امیری خراسانی

انتشار: ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۲ · ۱۰ دقیقه مطالعه

چکیدهٔ مقاله

میرزا کوچک خان جنگلی زندگینامه میرزا یونس معروف به میرزا کوچک فرزند میرزا بزرگ، اهل رشت، در سال ۱۲۵۹ شمسی، دیده به جهان گشود. سال های نخست عمر را در مدرسه ی حاجی حسن واقع در صالح آباد رشت و مدرسه ی جامعه آن شهر به آموختن مقدمات علوم دینی سپری کرد. در سال ۱۲۸۶ شمسی، در گیلان به صفوف آزادی خواهان پیوست و برای سرکوبی محمدعلی شاه روانه ی تهران شد. هم زمان با اوج گیری نهضت مشروطه در تهران، شماری از آزادی خواهان رشت کانونی به نام «مجلس اتّحاد» تشکیل دادند و افرادی به عنوان فدایی گرد آوردند. میرزا کوچک

میرزا کوچک خان جنگلی

زندگینامه

میرزا یونس معروف به میرزا کوچک فرزند میرزا بزرگ، اهل رشت، در سال ۱۲۵۹ شمسی، دیده به جهان گشود. سال های نخست عمر را در مدرسه ی حاجی حسن واقع در صالح آباد رشت و مدرسه ی جامعه آن شهر به آموختن مقدمات علوم دینی سپری کرد.

در سال ۱۲۸۶ شمسی، در گیلان به صفوف آزادی خواهان پیوست و برای سرکوبی محمدعلی شاه روانه ی تهران شد. هم زمان با اوج گیری نهضت مشروطه در تهران، شماری از آزادی خواهان رشت کانونی به نام «مجلس اتّحاد» تشکیل دادند و افرادی به عنوان فدایی گرد آوردند. میرزا کوچک خان که در آن دوران یک طلبه بود و افکار آزادی خواهانه داشت به مجلس اتحاد پیوست. در سال ۱۲۸۹ شمسی، در نبرد با نیروی طرفدار محمد علی شاه در ترکمن صحرا شرکت داشت و در این نبرد زخمی و چندی در بادکوبه در یک بیمارستان بستری گردید. در سال ۱۲۹۴ شمسی، به جای «مجلس اتّحاد» «هیأت اتّحاد اسلام» از یک گروه هفده نفری در رشت تشکیل گردید. بیشتر افراد این گروه روحانی بودند میرزا کوچک خان عضو مؤثّر آن بود.

این هیأت هدف خود را خدمت به اسلام و ایران اعلام کرد و به زودی میرزا کوچک خان رهبری هیأت را بر عهده گرفت. پس از اشغال نواحی شمالی ایران از سوی روسیه ی تزاری، هیأت اتّحاد اسلام به مبارزه با ارتش تزار پرداخت و یک گروه مسلح به عنوان فدایی تشکیل داد و روستای کسما را در ناحیه ی فومن مرکز کار خود قرار داد و در آن جا سازمان اداری و نظامی به وجود آورد. هیأت اتّحاد اسلام، پس از چندی به کمیته ی اتّحاد اسلام تبدیل شد و اعضای

آن به ۲۷ نفر افزایش یافت و رهبری کمیته را میرزا به عهده گرفت و تا پایان سال ۱۲۹۶ شمسی، بخش وسیعی از گیلان و قسمتی از مازندران، طارم، آستارا، طالش، کجور و تنکابن زیر نفوذ کمیته درآمد. این کمیته «نهضت جنگل» و «حزب جنگل» نیز نامیده شده است.

فعالیتهای نظامی نهضت جنگل

در فروردین ۱۲۹۷، فداییان نهضت جنگل، پس از چند درگیری با نیروهای انگلیسی مواضع مهم راه رشت – منجیل را در اختیار خود گرفتند. در خرداد ۱۲۹۷، نیروی «کلنل پیچرا خوف» افسر روسی که قصد بازگشت از ایران را داشت با«ژنرال دانسترویل» انگلیسی که او نیز می خواست از طریق انزلی به بادکوبه برود هم پیمان شدند و نیروهای روسی در منجیل با فداییان «کمیته ی اتحاد اسلام» به نبرد پرداختند، در حالی که زره پوش ها و هواپیماهای انگلیس هم برای کمک به او به حرکت درآمده بودند.

«پیچراخوف» راه منجیل تا رشت و انزلی را گشود و پس از گشوده شدن این راه، نیروهای انگلیسی در دو طرف راه مستقر شدند. در این میان نیروی «کمیته ی اتحاد اسلام» رشت را تصرف کرد، امّا پس از ده روز نیروهای انگلیسی به کمک زره پوش ها و هواپیماها رشت را تسخیر نمودند. در ۲۷ مرداد ۱۲۹۷، میان نمایندگان کمیته ی اتحاد اسلام با نمایندگان انگلیس در رشت قراردادی امضا شد.

امضای این قرارداد چنان اختلاف نظر پدید آورد که میرزا کوچک خان به ناچار انحلال کمیته ی اتحاد اسلام را اعلام داشت و کمیته انقلابی گیلان را تشکیل داد. شماری از سران کمیته اتحاد اسلام کناره گیری کردند و شماری از افراد تندرو در کمیته ی انقلابی گیلان عضویت یافتند.

برای از بین بردن نهضت جنگل، وثوق الدوله در بهمن ۱۲۹۷، به وسیله ی سید محمد تدین پیام صلحی برای کوچک خان رهبر نهضت فرستاد و از او خواست که نیروی مسلح خود را در اختیار دولت قرار دهد، میرزا نپذیرفت. وثوق الدوله در ۱۸ اسفند ۱۲۹۷، تیمور تاش را با اختیارات تام به استانداری گیلان فرستاد و در خرداد ۱۲۹۸، کلنل «استاروسلسکی» فرمانده ی نیروی قزاق با اختیارات تام، مأمور سرکوب نهضت گیلان شد.

در عملیات تسخیر رشت توپخانه و هواپیماهای نظامی انگلیس هم شرکت داشتند. پیش از حمله ی «کلنل تکاچینکف» از تهران نامه ی تأمین برای میرزا نوشتند، ولی میرزا نپذیرفت و پس از درگیری های فراوان عده ای از سران نهضت از جمله دکتر حشمت که پزشک بود و به واسطه ی خدمات پزشکی محبوبیت زیادی در لاهیجان کسب کرده بود و در آن جا یک گروه چند صد نفری به نام «نظام ملی» گرد آورده بود، تسلیم نیروی دولتی در رشت شد.

نیروهای دولتی تصمیم گرفتند، او را به واسطه ی نزدیک بودن به میرزا آزاد کرده تا او میرزا را ترغیب به تسلیم کند و اگر موفق شد یا نشد خود را پس از ده روز معرفی نماید، امّا دکتر حشمت، پس از بازگشت به لاهیجان دچار تردید شد و چون بازگشت او به تأخیر افتاد، یک گردان مأمور دستگیری او شد. او با گردان دولتی درگیر و شماری از افراد «نظام ملی» کشته شدند و دکتر حشمت دستگیر و در دادگاه نظامی در ۴ اردیبهشت ۱۲۹۸، محکوم به اعدام شد.

نهضت جنگل و رهبران انقلاب اکتبر روسیه

جنگلی ها در دوران تزارها قیام خود را آغاز و به مخالفت با آنان پرداختند، امّا در آغاز پیروزی انقلاب اکتبر، روابط جنگلی ها با روس ها حسنه شد. پس از چندی روس ها سیاست خود را تغییر و از حمایت نهضت جنگل دست کشیده و سرانجام به آن خیانت کردند. در ۲۸ اردیبهشت ۱۲۹۹ شمسی، ارتش سرخ تحت عنوان سرکوبی به اصطلاح ضدّ انقلابیون وارد بنادر انزلی و غازیان شد. نهضت جنگل که حضور نیروهای بیگانه در خاک کشور برایش قابل تحمل نبود و حضور آنان را به زیان استقلال ایران می دید، اسماعیل آقا جنگلی خواهرزاده ی میرزا را به عنوان نماینده به دیدار فرمانده ی ارتش سرخ فرستاد. وی قبل از هر سخنی سراغ میرزا را گرفت و تمایل شدید خود را برای دیدار با او اعلام کرد. بنابراین میرزا در رأس هیأتی به انزلی رفت و در آن جا با فرمانده ی ارتش سرخ دیدار و مذاکره کرد و نسبت به چند موضوع توافق کلی حاصل شد.

اعلام حکومت جمهوری

اعلام حکومت جمهوری

پس از توافق جنگلی ها با روس ها، سران نهضت به رشت آمدند و در این شهر اعلام حکومت جمهوری کردند. آنان ضمن انتشار اعلامیه ای با عنوان «فریاد ملت مظلوم ایران از حلقوم فداییان جنگل» به مفاسد دستگاه حاکمه ی ایران و جنایات انگلیسی ها اشاره کردند. و در پایان نظریات خود را به شرح ذیل اعلام داشتند: ۱- جمعیت انقلاب سرخ ایران، اصول سلطنت را ملغی کرده، جمهوری را رسماً اعلام می نماید. ۲- حکومت موقت جمهوری، حفاظت جان و مال عموم اهالی را به عهده می گیرد. ۳- هر نوع معاهده و قراردادی را که قدیماً و جدیداً با هر دولتی منعقد شده است، لغو و باطل می شناسد. ۴- حکومت موقت جمهوری، همه ی اقوام بشر را یکی دانسته، تساوی حقوق درباره ی آنان قائل است و حفظ شعایر اسلامی را از فرایض می داند.

کودتای حزب عدالت

پس از ورود ارتش سرخ به ایران، چند تن از اعضای حزب کمونیستی عدالت باکو نیز از روسیه وارد گیلان شدند. این افراد در رشت دست به تشکیل حزبی به نام «عدالت» زدند و رفته رفته، ضمن برگزاری اجتماعات و سخنرانی ها، عملاً موارد توافق شده میان جنگلی ها و روس ها را زیر پا گذاشتند و تبلیغاتی را علیه میرزا آغاز کردند. میرزا در تیر

۱۲۹۹، معترضانه رشت را ترک کرد و اعلام کرد تا زمانی که حزب عدالت از کارهای خلاف و حمله به اسلام و تبلیغ کمونیسم دست بر ندارد به رشت باز نخواهد گشت. به دنبال این حادثه اعضای حزب عدالت که بعضی از آنان همچون احسان الله خان و خالو قربان قبلاً از دوستان نزدیک میرزا بودند، درصدد بر آمدند کودتایی را انجام دهند که طرح آن را قبلاٌ ریخته بودند. نقشه ی کودتا این بود که میرزا یا باید کشته شود و یا دستگیر و از رهبری انقلاب کنار رود. میرزا که تا حدی از هدف اعضای حزب و نقشه ی خائنانه ی آنان مطلع شده بود، به جنگل رفت و در این درگیری ها بسیاری از جنگلی ها دستگیر یا کشته شدند.

شکست نهضت و شهادت میرزا کوچک خان جنگلی

شکست نهضت و شهادت میرزا کوچک خان جنگلی

پس از تسلیم خالو قربان، نیروهای دولتی وارد رشت شدند و چون مذاکرات صلح با جنگلی ها به نتیجه نرسید، نیروهای دولتی به تعقیب جنگلی ها پرداختند. برخی از نیروها متفرق، برخی تسلیم و تعدادی نیز کشته شدند. با چنین وضع سخت و دردناکی میرزا در سرمای شدید زمستان از همسرش خداحافظی کرد و در اعماق جنگل عقب نشست تا بتواند نیروهای پراکنده را در فرصت مناسب جمع آوری و سازماندهی کند. امّا در اثر سرما مرگ به سراغش می آید. روزنامه ی جنگل ارگان نهضت درباره هدف نهضت چنین نوشته است:(۱)

«ما قبل از هر چیز طرفدار استقلال مملکت ایرانیم. استقلال به تمام معنای کلمه، یعنی بدون اندک مداخله ی هیچ دولت اجنبی، [و طرفدار] اصلاحات اساسی مملکت و رفع فساد تشکیلاتی دولتی، که هر چه بر سرایران آمده از فساد تشکیلات است. ما طرفدار یگانگی عموم مسلمانانیم. این است نظریات ما که تمام ایرانیان را دعوت به هم صدایی کرده، خواستار مساعدتیم.» رهبر نهضت جنگل یک روحانی و مرد دین بود. او انقلاب جنگل و همه ی مظاهر آن را از دریچه ی اندیشه های سیاسی که از اسلام آموخته بود، می نگریست. او یک باره دست به قیام مسلحانه نزد، همه ی راه ها را آزمود و پس از یأس وارد عمل و مردانه پا به صحنه ی کارزار نهاد. او شاهد به توپ بسته شدن مجلس شورای ملی، توسط محمد علی شاه و تحصن علما در سفارت عثمانی بود. او به امید نجات مشروطه به مجاهدین پیوست و در فتح قزوین شرکت کرد و با مشاهده ی اعمال خلاف بعضی از مجاهدین به موطن خود رشت بازگشت، اما بار دیگر به مجاهدین پیوست و در فتح تهران شرکت نمود و با قوای استبداد جنگید.

علی رغم تلاشی که در تحریف چهره ی میزرا به عمل آمده، به شهادت تاریخ، وی از مجاهدان مشروطیت و از هواداران جناح اعتدالیون مجلس و وفادار به اسلام بود. او سخت به اتحاد جهان اسلام عشق می ورزید. تاخت و

تازهای خارجی در صحنه ی سیاست و اقتصاد کشور و سیاست بازی عناصر منافق و خود فروخته، وضع آشفته گیلان و بی کفایتی دولتمردان، انگیزه هایی بود که این روحانی جوان، حساس و دلسوخته را به میدان سیاست و سپس به صحنه ی کارزار کشاند. نخست در برابر استبداد محمد علی شاه ایستاد و سپس با شخصیت های با نفوذ تماس گرفت و در آخرین مرحله از تلاش خود سلاح به دست گرفت و در برابر نیروهای بیگانه به مقاومتی جانانه پرداخت. او بارها در برابر مردم گیلان هدف از نهضت خود را احیای قوانین اسلام اعلام کرد و یادآور شد که میرزا کوچک هرگز اسلحه را از خود دور نمی کند، مگر وقتی که مطمئن باشد، افراد ایرانی از تجاوز متجاوزان بیگانه و ستمکاران داخلی مصون و از امنیت و رفاه برخوردار هستند.

پی نوشت: ۱/ روزنامه ی جنگل، سال اول، شماره ی ۲۸، به نقل از انقلاب اسلامی و ریشه های آن، عباسعلی عمید زنجانی، ص ۳۷۰/

.....

آلبوم عکس میرزا

جوانی میرزا کوچک خان جنگلی

جوانی میرزا کوچک خان جنگلی

سر میرزا کوچک خان

اعدام مبارزان جنگل به امر تیمورتاش

شورای انقلاب جنگل: از راست:/۱معین الرعایا ،/۲میرزا،/۵گائوک(هوشنگ)، /۶ میرصالح مظفرزاده

مهر و امضا میرززا کوچک خان

رضا اسکستانی که سرمیرزا را از بدن جدا کرد

میرزا با دوتن از یارانش ، اسماعیل جنگلی و سید حبیب‌اله خان مدنی

چندتن از مجاهدان کرد که به یاری برادران گیلانی شتافتند

دیدار نماینده دولت مرکزی با میرزا کوچک‌خان

نمایندگان اعزامی میرزا به مسکو از راست،میرصالح مظفرزاده و گائوک آلمانی

مسئولان امور مالی و اداری جنگل از راست، پاپروسی، محمد اسماعیل مدیر وجوهات، موسوی کسمایی

میرزا و دکتر حشمت

میرزا

میرزا و همرزمان

میرزا

میرزا

تندیس میرزا در میدان شهرداری شهر رشت

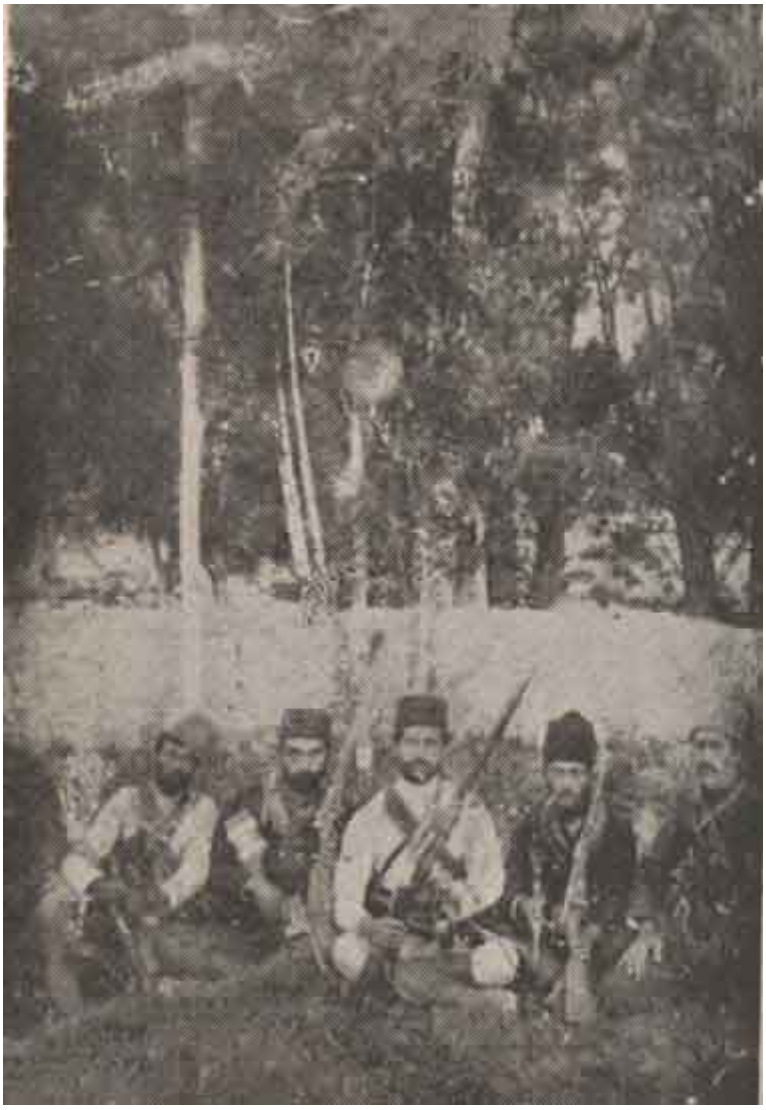

یاران میرزا

ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «زندگینامه میرزا کوچک خان جنگلی (جدایی طلب یا وطن پرست ؟)»، پارسیان دژ، ۱۳۹۲.

خواندن مقاله و پیوست‌های آن در وب‌سایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

https://www.parsiandej.ir/articles/1265/pdf/زندگینامه-میرزا-کوچک-خان-جنگلی.pdf

آخرین ویرایش مقاله: ۱۲ مرداد ۱۴۰۵